



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

معانی حسن و قبح عقلی ۳

جلسه ۱۶۸

استاد رفعتی

معنی سوم حسن و قبح:

حسن، فعلی است که انجامش از نظر عقلاء سزاوار و شایسته باشد؛ یعنی عقل همگان صلاحیت و شایستگی آن را برای انجام درک نموده و به آن حکم کند و قبیح فعلی است که ترکش از دیدگاه عقل شایسته باشد؛ به این معنا که عقل شایسته بودن ترکش را درک کرده و حکم کند که فعل آن، سزاوار نیست یا ترکش صلاح می‌باشد.

نکات:

۱. همین ادراك عقل (سزاوار بودن ترک یا فعل)، معنای حکم آن به حسن و قبح است.
۲. این معنی سوم، مورد اختلاف است؛ اشاعره قائلند که عقل توان چنین درک و حکمی را ندارد؛ ولی عدلیه این نوع حسن و قبح را پذیرفته‌اند و قائلند که عقل، چنین ظرفیتی را دارد.

تنبیه

۱. گاهی یک فعل به جمیع معانی حسن، حسن می‌باشد؛ همچون: تعلّم (فراگرفتن علم)، حلم (بردباری)، احسان (نیکی کردن). این افعال هم برای نفس کمال بوده و هم به اعتبار نفع و مصلحتی که دارند با نفس ملائم و سازگار محسوب شده و هم از افعال و اموری است که از نظر عقلاء انجامش برای انسان شایسته می‌باشد.

۲. گاهی بر فعلی یکی از معانی حسن صادق بوده ولی به اعتبار معنای دیگر یا قبیح بوده و یا حسن نمی‌باشد؛ نظیر «غناء» این فعل از نظر آنکه با نفس ملائم و سازگار است حسن بوده لذا به غذاء روح

معروف می‌باشد؛ ولی معنای اول یا سوم حسن بر آن صادق نیست؛ زیرا از نظر عقلاء به ملاحظه اینکه اهل عقل می‌باشند غناء در افعالی که انجامش شایسته و سزاوار است داخل نیست؛ چنانچه به حکم عقل، کمال برای نفس به حساب نمی‌آید؛ البته می‌توان آن را از این جهت که کمال برای صوت است حسن به اعتبار معنای اول دانست.